

درس سوم – راز نشانه ها

واژگان :

اندیشیدم : فکر کردم	اساس : پایه ، بنیان	معدرت خواهی : عذرخواهی
حیات : زندگی	گود افتاده بود : فرو رفته بود	گر : اگر
رد پا : جای پا	خوار : حقیر	می لنگید : لنگ لنگان راه می رفت
اثاث : وسایل ، ابزار	خار : نیفع	آسیاب : دستگاهی برای آرد کردن گندم
قضا : سرنوشت ، تقدیر	حدس زدم : گمان کردم	زاغک : زاغ کوچک ، پرنده ای از خانواده کلاغ ها
طعمه : خوردنی – خوراکی	کرد آواز : شروع به آواز خواندن کرد	قالب : قطعه ، تکه
بگشود : باز کرد	خوش آواز : خوش صدا	برگرفت : برداشت
روبهک : رویاه کوچک	خوش خوان : خوش آواز	روبه : رویاه
جست : پرید ، جهید	نبدی : نیست	پر فریب : بسیار حیله گر
بربود : ربود ، دزدید	مرغان : پرنده	حیلت ساز : حیله گر – مکار

هم خانواده :

فریب : فرینده – فریبکار	حاکم : حکم ، محکوم
حیلت : حیله گر – حیله	معدرت : عذرخواهی
فهم : فهمیده – فهیم	

مخالف :

درست : غلط	کور : بینا
خوب : بد	راست : چپ
کمتر : بیشتر	خوشحال : ناراحت

رویاه و زاغ

• زاغکی قالب پنیری دید به دهان برگرفت و زود پرید

آن را با نوکش برداشت و زود پرید زاغ کوچکی قالب پنیری دید

• بر درختی نشست در راهی که از آن می گذشت رویاهی

در راهش روی شاخه درختی نشست

• رفته پای درخت و کرد آواز رویه پر فریب و حیلت ساز

پایین درخت آمد و شروع به خواندن آواز با صدای بلند کرد رویاه مکار و حیله گر

• گفت : به به تو چقدر زیبایی چه سری ، چه دمی ، عجب پایی

عجب سر و دم و پای زیبایی داری گفت : به به تو چقدر زیبایی

• پرو بالت سیاه رنگ و قشنگ نیست بالاتر از سیاهی رنگ

قشنگ تر و بالاتر از این رنگ وجو ندارد پر و بالت سیاه رنگ و قشنگ

• گر خوش آواز بودی و خوش خوان

- | | | |
|---------------------------|--|--|
| نبودی بهتر از تو در مرغان | دیگر بهتر از تو بین پرنده ها پیدا نمی شد | ولی اگر خوش صدا و خوش آواز بودی |
| تا که آوازش آشکار کند | تا صدای خوبش را به روای نشان دهد | zag mi خواست که غار غار کند |
| روبهک جست و طعمه را برپود | روباه کوچک پرید و خوراکی را دزدید و فرار کرد | زاغ خواست که قار قار کند و آواز بخواند |

كلمات متشابه:

كلمات هم آوا، كلماتی هستند که مثل هم خوانده می شوند اما مثل هم نوشته نمی شوند و معنی آن ها هم با هم فرق دارد .
این كلمات مانند هم خوانده می شوند اما اacula و معنی متفاوتی دارند .

خوار : تیغ خوار : حقیر خان : آقا خوان : سفره

من در حیاط بازی می کنم . (حیاط خانه)
جانوران بدون هوا قادر به ادامه حیات نیستند . (زندگی)

حتی گاهی دو کلمه مانند هم نوشته و خوانده می شوند اما معنای متفاوتی دارد .
سیر بوی بدی دارد .
من دیگر سیر شدم .

• متن هایی که اطلاعاتی به ما بدهد و داشت ما را زیاد کند متن های علمی نام دارند و متن هایی که داستانی است و ادبیات ما را قوی تر می کند متن ادبی نامیده می شود

• برای نوشتمن یک قصه رعایت نکات زیر لازم است .

- با جمله ها و عبارت های مناسب نوشته خود را از کنید

- نشانه های نگارشی را در نوشته خود به کار گیرید

- در نوشته کلمه ها دقیق کنید (اندازه ، فاصله ، اتصال و شکل حروف)

- نوشته خود را بخوانید و پاک نویس کنید

كلمات دارای ارزش املایی

آسیاب - قهوه خانه - حاکم - چطور - علف - حدس - معذرت - هوش - قالب - زاغک - حیلت - خوش خوان - مرغان - طعمه - زاغک
- قالب - حیلت ساز - خوش خوان - مرغان - طعمه - الاغ -

پرسش های متن درس

- جاهای خالی را با کلمه مناسب کامل کنید .
- علی در مدرسه نشسته بود . (حیات - حیاط)
- گل در دستم فرو رفت . (خوار - خار)
- مادر خوشمزه ای درست کرده بود (غذای - قضای)

-۲ معنی کلمات زیر را بنویسید .

قضایا : حیلت ساز : رد پا : آسیاب : خار :

-۳ مخالف کلمه های زیر را بنویسید .

بیرون : کور : چپ : خوشحال :

-۴ در هر ردیف کلمه های هم خانواده یک کلمه اضافی است ، دور آن خط بکشید .

- حاکم - حکم - حکاکی - محکوم
- علم - عالم - تعلیم - تعالی
- معذرت - عظیم - تعظیم - عظمت

-۵ با توجه به متن درس رویدادها را مرتب کنید

- مرد از پسرک خواست
- حدس زدم چپش کور بوده است
- پسر گفت : من خوب نگاه کردم و اندیشیدم
- علف های سمت راست جاده خورده شده بود

-۶ شکل مفرد کلمات زیر را بنویسید .

کتاب : حکما : پسران : مرغان :

-۷ شکل مخفف (کوتاه شده) کلمات زیر را بنویسید .

اکنون : راه : بیرون : روباه :

-۸ معنی کلمه های زیر را از میان جدول پیدا کنید و بنویسید .

غمگین	بلند شد	سرانجام	جمع کرد
یادداهن	وسایل	پایه	ابتدا
دزدید	آسودگی	درود	یاد داد

آموختن : سوگوار : اثاث : بربریود : بالآخره : اساس : پایه : اولایل : آرام بودن : آفرین :

-۹ نوع متن را در نوشه های زیر مشخص کنید .

- خانه های نواحی بیابانی ویژگی هایی دارند تا خیلی گرم نشوند . دیوارهای این خانه ها ضخیم ساخته می شود تا گرما از بیرون وارد نشود .

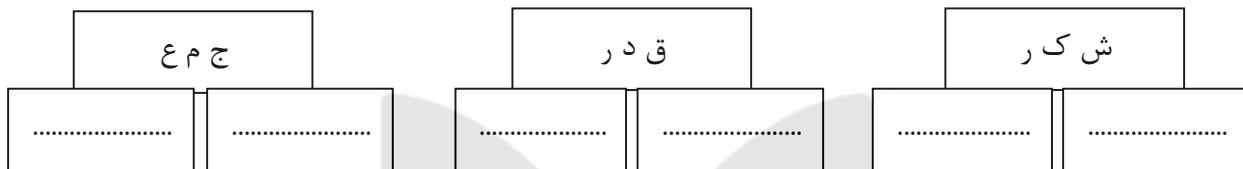
- گنجشک و کبوتری با هم دوست شدند . تابستان بود و هوا گرم ، کبوتر دانه جمع می کرد تا تابستان بی غذا نباشد ولی گنجشک مشغول بازی بود . زمستان آمد و گنجشک بی غذا ماند و به سراغ کبوتر رفت . کبوتر به او گفت : جیک جیک مستونت بود فکر زمستونت نبود ؟

۱۰- در متن زیر نشانه های نگارشی مناسب استفاده کنید .

پسر جواب داد من الاغی ندیدم

مرد خشگین شد و پسر را پیش حاکم برد حاکم گفت اگر تو الاغ را ندیده ای چطور نشانی
هایش را دادی

۱۱- در هر قسمت، با استفاده از حروف داده شده، دو واژه‌ی هم‌خانواده بنویسید.



-۸ آموختن : یادداش

اثاث : وسایل

برخاست : بلند شد

اساس : پایه

بربود : دزدید

سوگوار : غمگین

بالاخره : سرانجام

اندوخت : جمع کرد

اوایل : ابتدا

آموخت : یاد داد

آفرین : درود

آرام بودن : آراستگی

-۹ علمی - ادبی

۱۰- دو نقطه - گیومه باز - گیومه بسته - نقطه - نقطه - دو

نقطه - گیومه باز - علامت تعجب - ویرگول - علامت

سؤال - گیومه بسته

-۱۱ شکر - شاکر - شکور

قدر : قادر - قدرت

جمع : مجموع - جمعیت

۱- حیاط - خار - غذای

۲- خار؛ تیغ

آسیاب : دستگاهی برای خرد کردن آرد و جو

رد پا : اثر و جای پا

حیلت ساز : حیله گر

قضا : سرنوشت

۳- خوشحال : ناراحت

چپ : راست

کور : بینا

بیرون : درون

۴- حکاکی - تعالی - معذرت

۵- ۲ - ۱ - ۳ - ۴

۶- مرغ - پسر - حکیم - کباب

۷- روبه - برون - ره - کنون

موفق باشید .

تهیه گننده : معصومه فدادی

